



در گفت‌وگو با بهرام سرمست مطرح شد

آذربایجان شرقی در مسیر تبدیل شدن به هاب لجستیکی کشور

گزارش

بیانامیرعظیمی
گروه ایران زمین

تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و رمضان نشان داد که جایگاه لجستیک در برخی استان‌ها از یک مزیت اقتصادی فراتر رفته و به مؤلفه‌ای راهبردی برای حفظ پایداری و تداوم زنجیره تأمین کشور تبدیل شده است. در این میان، آذربایجان شرقی به پشتوانه موقعیت جغرافیایی، مرزهای رسمی، شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، ظرفیت‌های تولیدی و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، به یکی از محوره‌های مهم پشتیبانی و مدیریت جریان کالا در کشور تبدیل شد. در شرایطی که محدودیت در برخی مسیرهای سنتی، ضرورت توسعه و پدافندی کشور عنوان کرد و «مزیت مهم دیگر استان، قرار گرفتن در مفصل چند کریدور منطقه‌ای و بین‌المللی است. ارتباط با ترکیه، عراق، قفقاز و ماوراء قفقاز، آذربایجان شرقی را در موقعیتی قرار داده که می‌تواند حلقه اتصال بازارهای مختلف باشد. وجود دو مبدأ ورودی و خروجی رسمی مرتبط با نخجوان و ارمنستان در محدوده منطقه آزاد ارس نیز ظرفیت مرزی استان را تکمیل می‌کند». استاندار آذربایجان شرقی خاطرنشان کرد: «در شرایط خاص، تنوع مسیرهای تأمین یک مزیت حیاتی است؛ زیرا اختلال در یک مسیر نباید به اختلال در کل زنجیره تأمین منجر شود. این موقعیت، ظرفیت استان برای توسعه تجارت جایگزین را نیز افزایش می‌دهد و بازارهایی همچون ترکیه، روسیه، اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و عراق می‌توانند در توسعه مبادلات نقش داشته باشند.»

مهم‌ترین مؤلفه‌های این جایگاه دانست و تصریح کرد: «توسیع ایجاد مراکز لجستیک مرزی جلفا و مرند در شرایطی که کشور به مسیرهای متنوع‌تر برای تأمین کالا و مواد اولیه نیاز دارد، نشان‌دهنده اهمیت این محور است. مرکز لجستیک مرند به دلیل قرار گرفتن در محور تبریز- بازرگان و نزدیکی به مرزهای بازرگان و جلفا، موقعیتی ویژه دارد و جلفا نیز با قرار گرفتن در منطقه آزاد ارس و اتصال به شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای، می‌تواند در سازماندهی جریان کالا، ترانزیت و پشتیبانی زنجیره تأمین نقش مؤثری ایفا کند.»

وی با تأکید بر اینکه اهمیت مراکز

«بهرام سرمست» استاندار آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با «ایران» اظهار کرد: «هدف راهبردی مدیریت استان، تبدیل آذربایجان شرقی از یک «مسیر عبوری» به «مرکز مدیریت جریان کالا» با استفاده از ظرفیت‌های مرزی و لجستیکی موجود است. مسئولان استان آذربایجان شرقی با هدف حفظ پایداری اقتصادی و بازاری، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از هرگونه اختلال در معیشت مردم، فعالیت بازار، روند تولید و ارائه خدمات به کار گرفته‌اند و با هماهنگی مستمر با وزارت جهاد کشاورزی و وزارت کشور، تمامی اقدام ضروری و زیرساخت‌های لازم فراتر از ظرفیت استان

حوادث

مأموریت دستگاه‌ها، ایجاد سازوکار هماهنگ و استفاده حداکثری از هاب‌های استان می‌تواند این خلأ را کاهش دهد.»

پایداری اقتصادی

استاندار آذربایجان شرقی بیان کرد: «هدف راهبردی باید تبدیل آذربایجان شرقی از یک «مسیر عبوری» به «مرکز مدیریت جریان کالا» باشد. در مدل مسیر عبوری، کالا صرفاً از استان عبور می‌کند؛ اما در مدل مرکز مدیریت جریان کالا، بخشی از ارزش افزوده، انبارش، پردازش، بسته‌بندی، توزیع، خدمات حمل‌ونقل و مدیریت زنجیره تأمین در خود استان شکل می‌گیرد. این تحول، هم سهم آذربایجان شرقی از تجارت و ترانزیت را افزایش می‌دهد و هم ظرفیت آن را برای پشتیبانی از اقتصاد کشور در شرایط بحرانی ارتقا می‌بخشد.»

استاندار آذربایجان شرقی در جمع‌بندی نهایی گفت: تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه یک واقعیت روشن را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد: پایداری اقتصادی بدون پایداری لجستیکی امکان‌پذیر نیست. تأمین کالا، استمرار تولید، امنیت غذایی، حفظ بازارها و تداوم تجارت خارجی همگی به شبکه‌ای وابسته‌اند که باید در شرایط عادی ساخته و در زمان بحران فعال شود.»

وی تأکید کرد: «آذربایجان شرقی به دلیل جایگاه جغرافیایی، مرزی و مواصلاتی خود ظرفیت آن را دارد که یکی از اجزای مهم این شبکه ملی باشد. آینده لجستیکی استان به تکمیل زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی، فعال‌سازی مراکز لجستیکی جلفا و مرند، تقویت منطقه آزاد ارس، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، توسعه فناوری‌های مدیریت زنجیره تأمین و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی و اجرایی وابسته است.» سرمست تصریح کرد: «در صورت توسعه یکپارچه این زنجیره، آذربایجان شرقی می‌تواند مزیت جغرافیایی خود را به یک مزیت راهبردی تبدیل کند؛ مزیتی که در زمان صلح موتور رشد اقتصادی و در زمان بحران، یکی از ستون‌های پشتیبانی و تاب‌آوری ملی باشد.»

موقعیت جغرافیایی خود می‌تواند بیش از ۲۰ درصد سهم ترانزیت و لجستیک کشور را به خود اختصاص دهد و برای منطقه آزاد ارس نیز سهم ۳۵ درصدی از ظرفیت لجستیکی استان مطرح شده است. تحقق این ظرفیت به تکمیل زیرساخت‌ها، رفع گلوگاه‌ها و ایجاد هماهنگی میان اجرای زنجیره وابسته است، اما در صورت تحقق، آذربایجان شرقی می‌تواند به یکی از هاب‌های مهم لجستیکی کشور تبدیل شود.» سرمست، مسأله هزینه لجستیک را نیز دارای اهمیت ویژه دانست و گفت: «هزینه لجستیک در کشورهای پیشرفته کمتر از ۹ درصد و در ایران بیش از ۳۰ درصد عنوان شده است. کاهش این فاصله هم‌زمان دو هدف را دنبال می‌کند: افزایش تاب‌آوری اقتصاد در شرایط بحران و ارتقای رقابت‌پذیری در شرایط عادی.» وی تصریح کرد: «توسعه لجستیک استان نباید به ساخت چند مرکز فیزیکی محدود شود، بلکه نیازمند شکل‌گیری یک اکوسیستم لجستیکی است که در آن مراکز لجستیک، گمرک، حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، مناطق آزاد، انبارها، شرکت‌های حمل‌ونقل، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و سامانه‌های اطلاعاتی در قالب شبکه‌ای هماهنگ فعالیت کنند.»

استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به اهمیت لجستیک الکترونیک و شرکت‌های تخصصی زنجیره تأمین اظهار کرد: «شرکت‌های 3PL و 5PL می‌توانند جریان کالا را از تأمین مواد اولیه تا تحویل محصول مدیریت کنند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نیز امکان رصد موجودی، ظرفیت حمل، مسیر و مقصد را افزایش می‌دهد و در شرایط بحران، زمان واکنش زنجیره تأمین را کاهش می‌دهد. بنابراین، هوشمندسازی لجستیک باید هم‌پای توسعه زیرساخت‌های فیزیکی پیش برود. وی تجربه جنگ را عاملی برای ضرورت عبور از مدیریت بخشی و جزیره‌ای دانست و افزود: «حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، تجارت، گمرک، مناطق آزاد و مدیریت بحران نمی‌توانند در شرایط خاص مثل جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و رمضان مستقل از یکدیگر عمل کنند. تدوین سند بالادستی لجستیک، شناسایی کریدورهای منطقه‌ای، تعیین

مرزی دیگر صرفاً یک انتخاب اقتصادی نیست؛ بلکه یکی از پایه‌های ارتقای تاب‌آوری لجستیکی محسوب می‌شود. هرچه سهم حمل‌ونقل ترکیبی افزایش یابد، امکان انتقال سریع‌تر، ارزان‌تر و انعطاف‌پذیرتر کالا در شرایط بحران نیز بیشتر خواهد شد.» وی با بیان اینکه نقش استان در دوران جنگ به ترانزیت محدود نمی‌شود، افزود: «امنیت غذایی یکی دیگر از ارکان پشتیبانی راهبردی کشور است و آذربایجان شرقی با ظرفیت تولیدی خود می‌تواند بخشی از نیازهای کشور را تأمین کند. در دوره جنگ تحمیلی، مشکل عمده‌ای در تأمین کالاهای اساسی استان گزارش نشد و در حوزه تولید مرغ و جوجه‌ریزی نیز شرایط مطلوب اعلام شد.»

استاندار آذربایجان شرقی تصریح کرد: «اهمیت این ظرفیت زمانی بیشتر آشکار می‌شود که برخی مناطق کشور به دلیل محدودیت تولید، شرایط اقلیمی یا افزایش مصرف با دشواری بیشتری در تأمین کالاهای اساسی مواجه شوند.» سرمست با تأکید بر پیوند میان تولید و لجستیک گفت: «تولید و لجستیک دو حلقه تفکیک‌ناپذیر یک زنجیره پشتیبانی هستند و ضعف هر یک می‌تواند عملکرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و رمضان پس از آن، مفهوم تاب‌آوری سرزمینی را نیز برجسته کرد؛ یعنی توان یک منطقه برای حفظ فعالیت‌های حیاتی در شرایط فشار و بازگشت سریع به وضعیت پایدار.»

وی ادامه داد: «در آذربایجان شرقی این سابقه تجاری آذربایجان شرقی با کشورهای شمالی و قرار گرفتن استان در مسیر کریدورهای منطقه‌ای، اظهار کرد: «با تکمیل زیرساخت‌ها، این امکان وجود دارد که بخشی از جریان‌های تجاری کشور در زمان اختلال در سایر مسیرها از طریق شمال غرب پشتیبانی شود.»

سرمست، حمل‌ونقل ریلی را حلقه‌ای تعیین‌کننده در زنجیره لجستیکی دانست و گفت: «اتصال ریلی ایران به روسیه از مسیر جمهوری آذربایجان و توسعه زیرساخت‌های ریلی منطقه می‌تواند ظرفیت جابه‌جایی کالا و مبادلات را افزایش دهد.

برای آذربایجان شرقی، توسعه حمل و نقل ترکیبی جاده‌ای، ریلی و



استاندار آذربایجان شرقی: تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه یک واقعیت روشن را پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده است؛ این که پایداری اقتصادی بدون پایداری لجستیکی امکان‌پذیر نیست



تدوین سند بالادستی لجستیک

«بهرام سرمست» اظهار کرد: «استان آذربایجان شرقی با اتکابه

نجات ۲ جان با بخشش اولیای دم

مسابقات فوتبال جام جهانی بودند که کار به درگیری مرگبار ختم شد و دایی آرش به اتهام قتل دوستش بازداشت شد.

مادر آرش که حالا خودش به عنوان خانواده قاتل به دنبال گرفتن رضایت بود راهی خانه مقتول شد و از آنها خواست تا برادرش را ببخشند اما خانواده مقتول گفتند چطور انتظار داری برادرت را ببخشیم وقتی تو ۱۰ سال است که از قاتل فرزندت نگذشته‌ای و می‌خواهی حکم قصاص او را اجرا کنی.

این جملات برای او تکان‌دهنده بود. به یاد سعید و خانواده‌اش افتاد، آنها بارها از او خواسته بودند که پسرشان را ببخشند اما او فقط قصاص می‌خواست.

آن زمان بود که مادر آرش تازه درک می‌کرد که خانواده سعید چه شرایط سختی را سپری کرده‌اند. همان‌جا نذری کرد و گفت: خدایا من از قصاص قاتل فرزندم گذشت می‌کنم تا خانواده مقتول نیز از قصاص حسین گذشت کنند.

فردای آن روز زن میانسال و همسرش وارد شعبه صلح و سازش دادسرا شده و مادر آرش به قاضی شعبه اجرای احکام گفت: من قاتل فرزندم را می‌بخشم و امیدوارم که اولیای دم پرونده برادرم نیز از او گذشت کنند.

پایان کابوس‌های دو محکوم

زن میانسال و همسرش برکه رضایت را امضا کردند و از دفتر شعبه خارج شدند. بدین ترتیب کابوس ۱۰ ساله سعید پایان یافت و او که زمان زیادی را در زندان به سر برده بود با بخشش اولیای دم از زندان آزاد شد.

سعید که از ماجرای قتل دایی آرش مطلع شده بود به همراه خانواده‌اش سراغ خانواده مقتول پرورده حسین رفت و به آنها گفت: در این سال‌ها من بارها مردم و زنده‌شدم. زندگی کردن پشت میله‌های زندان و سپری کردن لحظات عمر با این کابوس که امروز آخرین روز عمرت است، غیر قابل تحمل است. از شما می‌خواهم که قاتل پسران را ببخشید.

خانواده مقتول نیز تصمیم گرفتند از حسین به شرط دریافت وجه‌المصالحه گذشت کنند. بدین ترتیب دو پسر جوان از قصاص رهایی یافتند.

گروه حوادث: مرضیه همایونی / زن میانسال که ۱۰ سال خواهان قصاص قاتل فرزندش بود، زمانی که در یک حادثه دیگر برادر خودش نیز مرتکب قتل شد از قصاص قاتل فرزندش گذشت و این بخشش باعث شد که برادرش نیز بخشیده شود.

به گزارش «ایران»، ۱۰ سال قبل پسر جوانی به نام آرش به همراه دوستانش راهی پارکی در حوالی خانه‌شان شدند. غروب بود و پارک شلوغ شده و مردم زیادی در پارک حضور داشتند، اما ناگهان آرش و دوستانش با چند نفر دیگر درگیر شدند و آرش به قتل رسید.

مرگ آرش به پلیس اعلام شد و متهم به نام سعید که در صحنه بازداشت شده بود به قتل اعتراف کرد. سعید مدعی بود که یک لحظه عصبانیت باعث شده که او دست به چاقو شود و همین عصبانیت زندگی او و آرش را نابود کرده است.

با اعتراف متهم به جنایت، او در دادگاه کیفری استان فارس پای میز محاکمه رفت و زمانی که در مقابل اولیای دم قرار گرفت، آنها فقط یک درخواست داشتند آن هم قصاص قاتل فرزندشان بود.

سه بار پای چوبه دار

اتمس‌های سعید و خانواده‌اش، پا درمیانی خیرین و واحد صلح و سازش بی‌نتیجه بود و خانواده آرش تنها یک جمله را بیان می‌کردند: ما قصاص می‌خواهیم.

در مدت ۱۰ سال گذشته سعید سه بار پای چوبه دار رفت. اولین باری که طناب دار به گردن سعید انداختند، بی‌هوش شد. وضعیت بد جسمانی پسر جوان باعث شد که حکم به تعویق بیفتد.

دومین بار، اولیای دم برای اجرای حکم حاضر نشدند و اما برای سومین بار گریه‌های پسر جوان و اصرارهای خیرین و صلح یاران، باعث شد تا اولیای دم مهلتی دیگر به سعید بدهند اما آنها همچنان خواهان اجرای حکم بودند. تا اینکه سرنوشتی تلخ برای دایی آرش رقم خورد؛ سرنوشتی که ورق را برگرداند و مسیر زندگی پسر جوان نیز تغییر کرد.

دورهمی مرگبار

چندی قبل دایی آرش به همراه دوستانش مشغول تماشای



پسر آشپز از چوبه داررهایه پیدا کرد

گروه حوادث/ آشپز جوان که ۴ سال قبل در رستوران دست به جنایت زده و کارگری را به قتل رسانده بود، از سوی اولیای دم بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر مهر سال ۱۴۰۱ درگیری در یک رستوران به نیم جنایی اعلام و با گزارش این خبر تحقیقات آغاز شد. با حضور بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم در محل، مشخص شد سه کارگر رستوران و آشپز زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان، یکی از کارگرها جان خود را از دست داده است.

آشپز جوان که عامل جنایت بود، پس از بهبودی

نقشه زن سوم برای قتل شوهر

گروه حوادث/ کامران علمدهی: زنی که متهم است با همدستی یکی از بستگانش همسرش را به قتل رسانده، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش «ایران»، دو سال قبل رهگذری کشف جسد پتوپنج شده مردی سالمند را در کنار رودخانه‌ای در منطقه دماوند به پلیس خبر داد.

در ادامه تحقیقات بر اساس آزمایش DNA و اطلاعات بانک ژنتیک مرد ۷۵ ساله به نام خسرو مشخص شد و خانواده او در جریان ماجرا قرار گرفت.

در تحقیقات معلوم شد که خسرو دو بار ازدواج ناموفق داشته و چند ماه قبل با زنی حدوداً ۵۰ ساله به نام نسرين ازدواج کرده بود. بنابراین نسرين احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او ابتدا منکر دخالت در مرگ همسرش شد اما در نهایت اعتراف کرد و گفت: «قصدم کشتن خسرو نبود و می‌خواستم با داروی خواب‌آور او را بی‌هوش کنم و از خانه‌اش بروم. برای این کار هم از وحید که یکی از بستگانم بود، کمک گرفتم.»

با این اظهارات، وحید نیز بازداشت شد و به همدستی با نسرين اعتراف کرد. این میان پزشکی قانونی نیز در گزارشی علت مرگ را مسمومیت دارویی اعلام کرد. با تکمیل تحقیقات برای نسرين به اتهام مباشرت در قتل و برای وحید به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه فرزندان مقتول از ازدواج‌های اول و دومش درخواست قصاص کردند. سپس نسرين به جایگاه رفت و با د اتهامش گفت: «من هم مثل بسیاری از زوجین با همسرم اختلافاتی داشتم و او بدون توجه به اینکه سن و سالی از من گذشته برای طرز لباس پوشیدن و رفت و آمدهایم تذکر می‌داد و دست کارهایش خسته شده بودم. وحید از بستگان دورم بود؛ وقتی ماجرای اختلافم با خسرو را به وحید گفتم و برایش تعریف کردم که همسرم گاهی قرص متادون می‌خورد، او هم به من پیشنهاد داد که می‌تواند با تهیه چند قرص خواب‌آور او را به خواب عمیق ببرد تا بتوانم وسایلم را جمع کنم و از آنجا بروم.»

متهم افزود: «وحید به من گفته بود که هر وقت خانه را ترک کردم، می‌توانم روی او حساب کنم و با هم از کشور خارج شویم و زندگی کنیم.»

نسرين درباره روز حادثه نیز این گونه توضیح داد: «وقتی قرص‌ها را به او دادم در خواب تشنج کرد. همان موقع با وحید تماس گرفتم و وقتی او آمد، متوجه شدم که خسرو فوت کرده است. وحید همسر را پتوپنج کرد و شبانه جسد را به اطراف دماوند بردیم و همانجا رها کردیم.»

او در پایان گفت: «من همسرم را دوست داشتم و حتی مهره‌ام را که یک ملک بوده به من داده بود.»

در ادامه وحید به جایگاه رفت و گفت: «من نقشی در مرگ خسرو نداشتم فقط برای کمک به نسرين چند قرص خواب‌آور تهیه کردم تا او بتواند پس از خوابیدن خسرو خانه‌اش را ترک کند و با هم ازدواج کنیم. بنابراین من اتهام معاونت در قتل را قبول ندارم چون نقشی در خوردن قرص‌ها نداشتم.»

پس از آن وکیل وحید به جایگاه رفت و گفت: «موکلم با متهم اصلی قصد واحد داشته و همچنین در گزارش پزشکی قانونی به وضوح اعلام نشده که مسمومیت دارویی یعنی چه دارویی؟ از قضات تقاضا دارم دستور تحقیقات بیشتر و گزارش دقیق‌تر پزشکی قانونی را دارم.»

با درخواست وکیل متهم ردیف دوم، پرونده برای رفع برخی نواقص و گزارش دقیق پزشکی قانونی درباره علت تامه مرگ به دادسرا برگردانده شد تا پس از آن قضات درباره رأی متهمان اعلام نظر کنند.

